

جلوه‌های نمادین عزاداری ماه محرم در مناطق مختلف ایران

علی آنی‌زاده^۱

چکیده

نشانه‌های نمادین مذهبی در ایران، در باورهای باطنی و اعتقادات دینی مردم ریشه دارند و برای شناخت عمیق‌تر آنها باید فرهنگ و هنر اسلامی و باورداشت‌های دیرینه پیش از اسلام را مورد توجه قرار داد.

سوگ‌یادهای مذهبی، از پر جلوه‌ترین نشانه‌های نمادین معنوی در ایران هستند که همواره با نوعی نمایش آیینی همراه بوده‌اند. سرچشمه معنایی این جلوه‌های نمادین را با کنکاش در باورها و معتقدات مردم می‌توان بازشناخت؛ زیرا این عناصر در طول تاریخ با زندگی اجتماعی و معنوی مردم در ارتباط بوده‌اند.

رسانه ملی با نمایش سوگواری‌های مذهبی، نقش مهمی در تقویت ارزش‌های اسلامی و جان‌مایه‌های اعتقادی مردم مناطق مختلف ایران دارد. در این میان، بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل و بررسی ژرفانگر نمادپردازی‌ها و شبیه‌سازی‌های عزاداری ماه محرم، به تحکیم عقلانی و

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد آموزش زبان فارسی، دانشگاه پیام نور تهران anizadehali@yahoo.com

خردورزانه باورهای عاشورایی مردم کمک به‌سزایی خواهد کرد و این رسالت، با تعمق صاحب‌نظران در کنه معانی ابزارها، شخصیت‌ها و اسباب و آلات و بویژه اشعار، رفتارها و مفاهیم عاشورایی در رسانه حاصل خواهد شد. در این بازنمایی می‌توان از شیوه‌های بیان خود نمادها یعنی تمثال (تصویر)، نمایه (علّی) و سمبل (قراردادی) استمداد طلبید.

کلیدواژه‌ها: عزاداری محرم، مناسک مذهبی، آیین‌های مذهبی، نمادهای محرم، نشانه‌های

محرم



مقدمه

سوگواری‌های مذهبی در ایران، همواره با نوعی نمایش آیینی همراه بوده‌اند و بسترهای مناسبی را برای مشارکت جمعی فراهم آورده‌اند. ماه محرم، به عنوان زمانی مقدس برای شیعیان همواره جلوه‌گاه عمیق‌ترین و پرسوزترین سوگ‌یادها بوده است.

در سوگواری‌های ماه محرم، باورها و منویات درونی مردم در قالب نمادها و نشانه‌ها بیان می‌شود؛ نمادهایی که ریشه در تاریخ و اسطوره مردم دارند. نمادها بیان‌های متفاوتی دارند؛ گاه یک تمثال به صورت مستقیم، واقعه‌ای را برای عامه باز می‌گوید و گاه یک نشانه را باید از فراخنای چند لایه اسطوره و تاریخ بیرون آورد و به مدد ریشه‌ها و باورهای مردم معنی‌شناسی کرد.

معنی‌شناسی، بخشی از نشانه‌شناسی و نشانه‌شناسی، گوشه‌ای از روان‌شناسی اجتماعی است؛ از این رو، برای شناخت نمادها و نشانه‌های هر قوم باید به زندگی مادی و معنوی آنان توجه کرد و باورها و معتقداتشان را در پیوند با زندگی اجتماعی مورد بررسی قرار داد.

نمادها و مناسک مذهبی

پیش از بررسی جلوه‌های نمادینی که به صورت‌های گوناگون در ماه محرم می‌توان نشانه‌شناسی کرد، لازم است انواع نشانه‌ها و ارتباط آنها با مناسک مذهبی واکاوی شود. نشانه، یعنی آنچه ما را از خودش فراتر می‌برد و به چیزی جز خود رهنمون می‌کند. نشانه، شامل سه جزء دال (خود نشانه)، مدلول (آنچه از طریق نشانه به آن هدایت می‌شویم) و دلالت (وجه ارتباط دال و مدلول) است. (میرشکرایی، ۱۳۸۳: ۵۲ و ۵۳)

طبق آرای پیرس، نشانه‌ها در سه طبقه عمده جای می‌گیرند: ۱. شمایل؛ میان صورت و معنی نوعی شباهت صوری و رابطه تصویری و مستقیم برقرار است؛ مانند عکس یک شخص که ما را به خود شخص راهنمایی می‌کند. ۲. نمایه؛ رابطه‌ای علی‌باعت راهنمایی ما به معنای موردنظر می‌شود؛ نشانه‌های طبیعی از این نوع هستند. مانند برافروختن و سرخ شدن چهره که می‌تواند نشانی از تب باشد. ۳. نماد؛ قرارداد باعث ایجاد رابطه و شناسه میان دال و مدلول می‌شود مانند علائم راهنمایی و رانندگی. (صفوی، ۱۳۸۷: ۳۵)

شاید بسیاری از مفاهیم، رفتارها و ابزار و آلات را مطابق با این سه اصل بتوان نشانه‌شناسی کرد اما بعضی امور را از طریق نشانه‌ای فراتر از نشانه‌های یاد شده باید بازشناخت. میرشکرایی، این فرانشانه را «نشانه فرهنگی» نامیده است. نشانه فرهنگی، قراردادی نانوشته میان نفوس یک فضای فرهنگی است که از طریق آن نشانه‌ها برای عموم قابل ادراک می‌شوند. «نشانه فرهنگی واضح معلومی ندارد، زمان پیدایش آن نیز به درستی شناخته نیست اما برای همه مردم اصل آن فرهنگ آشناست. نماد، صورت پیچیده نشانه فرهنگی است. نماد، اغلب هاله‌ای از تقدس مذهبی و اسطوره‌ای بر گرد خود دارد و به بنیادهای فرهنگی و دوردست‌های تاریخ زندگی انسان مربوط می‌شود.» (میرشکرایی، ۱۳۸۶: ۵۳) نمادها به دلیل پیوند با اسطوره‌ها، ناخودآگاه یک فرهنگ را بیان می‌کنند و آن را در میان همه اعصار تسری می‌دهند. (ذاکری، ۱۳۸۴: ۱۵۴ و ۱۵۵) در این تسری و جریان اندیشه‌ها، عقاید، سنت‌ها، هنرها، رفتارها و کردارها، هویت پنهان و آشکار هر فرهنگ تثبیت می‌شود. (همایونی، ۱۳۸۶: ۵۰)

1. icon
2. index
3. symbol

۱. شبیه‌گردانی

مراسم سوگواری در ایران، همواره با نوعی نمایش آیینی (شبیه‌سازی و نمادپردازی) همراه بوده است. کهن‌ترین زمینه‌های این موضوع را در نمایش آیینی «مصیبت سومریان»^۱ می‌توان باز جست. نمایش مصیبت، شامل یک حرکت جمعی به سوی اردوگاه در هم کوبیده «دموزی» و شیون و زاری برای او بود. همزمان و پس از آن، مراسم «مصیبت مهر» به گونه‌ای نمایشی و با زدن صورتک‌هایی بر چهره سوگواران بر بلندی‌های سکوی آیین پرستش مهر به جای آورده می‌شد. (میرشکرایبی، ۱۳۸۳: ۲۷)

پس از اسلام حماسه کربلا رخ داد و جلوه‌هایی از روابط عاطفی و انسانی، مظلومیت همراه با شجاعت و شهادت‌طلبی را به نمایش گذاشت. این حماسه، در ظرف و ساختار پیشین سوگ‌یادهای ایرانی، با محتوایی والا و متعالی بازتولید و به نوعی همه‌زمانی، دیرپا و ماندگار شد. (همان: ۲۶)

یکی از مناسک آیینی سوگواری‌های مذهبی، شبیه‌گردانی است که عمده‌ترین شکل آن در تابوت‌گردانی جلوه کرده است. نخل‌گردانی که مشهورترین نوع تابوت‌گردانی است، در ایران در نخستین دهه محرم و دهه پایانی صفر، بویژه روز اربعین حسینی (۲۸ صفر) و روز قتل امیرمؤمنان علی علیه السلام (۲۱ رمضان) انجام می‌گیرد. (بلوکباشی، ۱۳۸۰: ۲۱)

تابوت‌واره‌ها، تمثیلی از پیکر یا مرکب مرگ مقدّسان هستند اما با کندوکاو در تابوت عهد^۲

۱. سومریان اقوامی غیرسامی بودند که از سرزمین‌های کوهستانی شرق میانرودان (کوه‌های زاگرس) مهاجرت کردند و در بخش‌های جنوبی آن ساکن شدند.

۲. تابوت عهد صندوقی بود که حضرت موسی به امر حق تعالی از چوب ساخت. بیرون و اندرونش پوشیده از طلا بود و اطراف سر آن تاج‌های طلایی و روی آن، سرپوشی از طلای خالص قرار داشت. بر فراز این تابوت دو کروی تعبیه شده بود و محتمل است عبارت «تحمله الملائکه» (بقره / ۲۴۸) اشاره بدان باشد. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۲۵۰)

که ریشه تاریخی تابوت گردانی است و نیز با عنایت به هدف برگزاری سوگواری‌های محرم که به نوعی بازسازی نمادین جبهه حق و باطل است، می‌توان ادعا کرد که به منظور تشجیع شیعیان و تقویت فرهنگ شهادت‌طلبی حضور خود را در مراسم حفظ کرده‌اند.

تابوت گردانی، مهم‌ترین نوع شبیه‌گردانی است. تابوت‌واره‌ها در بیشتر نقاط ایران، نمادی از پیکر یا تابوت سیدالشهدا (علیه السلام) و در برخی مناطق، بر اساس مناسبت سوگواری، نشانه‌ای از تابوت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) یا حضرت علی (علیه السلام) هستند.

ضریح‌واره‌ها نیز تجلی‌گاه نمادین و تجسمی باورهای مذهبی مردم هستند که به شکلی تزیینی و زیبا ساخته می‌شوند. شاید با توجه به ویژگی‌های مشترک تابوت‌واره‌ها و ضریح‌واره‌ها، تفکیک آنها از یکدیگر به طور کامل میسر نباشد؛ چرا که هدف مردم از ساخت این دو نماد، برقراری ارتباط با نمونه‌های عالی انسانی در بعد الهی از طریق دست‌ساخته‌های بشری است.

شناخته‌ترین تابوت‌واره‌هایی که پژوهشگران نشانه‌شناسی کرده‌اند، عبارت از نخل، حجله قاسم (علیه السلام)، گهواره علی اصغر (علیه السلام)، کتل، طبق، دغدغه، چهارچوب، نهر علقمه، شط فرات و نیز ضریح‌واره‌های شیدونه و شش‌گوشه هستند. علم‌ها و علم‌واره‌ها نیز بخش مهمی از شبیه‌گردانی‌ها به شمار می‌روند که در فرهنگ ایران، انواع مختلفی مانند علم، توغ، جریده، شده، علامت و چهل چراغ دارند.

۱-۱. تابوت‌واره‌ها

۱-۱-۱- نخل: نخل، شناخته‌ترین تابوت‌واره و نمادی از تابوت سیدالشهدا (علیه السلام) است اما نذر لباس برای نخل، رد شدن از زیر نخل برای شفا یافتن، روشن کردن شمع بر تیرک‌های نخل و نشان دادن کودکان در آغوش بابای نخل برای تبرک، همگی رفتارها و نشانه‌هایی از نقش رابطه‌ای نخل در توسل شیعیان به سالار شهیدان (علیه السلام) هستند.



۱-۱-۲. **حجله حضرت قاسم علیه السلام**: حجله حضرت قاسم علیه السلام نیز همان‌گونه که از نامش پیداست، به دو صورت حجله زفاف و حجله عزا بسته می‌شود. در این میان، مردم مناطق مختلف، آیین‌های سور و سوگ دیار خود را پیرامون این حجله نمادین به نمایش می‌گذارند. خوانچه بستن، حنا گرفتن به دست و پای مرادمندان (صادقی، ایذه، ۱۳۵۷) روانه کردن نوجوانی خوش‌سیما به حجله عروسی (غفاری، خلف‌محمدی، شوشتر، بی‌تا) کل کشیدن و گریه کردن همزمان (مختارپور، ۱۳۸۳: ۱۴۳ و ۱۴۴) و نشان دادن عروس حضرت قاسم علیه السلام درون حجله و بوسیدن روی او به منظور سفیدبختی و حاجت‌روایی (نخبه، بهبهان، ۱۳۵۲) نمونه‌های دیگری از رفتارهای نمادین مردم هستند که در قالب آیین‌های مربوط به تابوت‌واره حجله حضرت قاسم علیه السلام شکل گرفته‌اند.

آنچه در شبیه‌سازی‌ها و تصویرپردازی‌های حجله حضرت قاسم علیه السلام به چشم می‌آید، رنگ و بوی فرهنگ و سنت بومی در آرایه‌ها و اجرای مراسم است؛ به‌گونه‌ای که مردم هر منطقه، واقعه عاشورا و از جمله، عروسی حضرت قاسم علیه السلام و به میدان رفتن و شهادت ایشان را در

بستر فرهنگ بومی خود بازسازی می‌کنند، گویی آن حضرت را از خود و فرهنگ منطقه‌ای خود می‌دانند.

۱-۳- گهواره علی اصغر علیه السلام: گهواره و قنداقه تمثیل وار حضرت علی اصغر علیه السلام یادآور کودک شیرخوار امام حسین علیه السلام در دشت بی‌آب کربلا است و این یادآوری، با ساخت گهواره یا قنداقه و با رفتارهایی در این زمینه به نمایش درمی‌آید.

در خرمشهر که روز نهم محرم را «یوم الطفل» می‌گویند، در مجلس زنانه، شبیه علی اصغر علیه السلام از سوی زنی که صورتش را پوشانده است، دست به دست، میان زنها به گردش درمی‌آید و زنان حاجتمند که خواسته بیشتر آنها داشتن فرزند است، برای روا شدن حاجاتشان شبیه حضرت علی اصغر علیه السلام را در آغوش می‌گیرند. (هاشم مطوری، خرمشهر، ۱۳۷۰)

گهواره حضرت علی اصغر علیه السلام، گاه در دسته‌های عزاداری کودکان و نوجوانان نیز حضور دارد. برای مثال، در همدان، گهواره‌ها را دنبال دسته سقاها که گروهی متشکل از بچه‌های هفت - هشت ساله مشک به دوش‌اند، می‌بردند و این نوحه را می‌خواندند:

چرا دیگر نمی‌نالی	الا ای بلبل عالمی
علی اصغرم لالای	در این گهواره عالی

(فرخ سرشت، همدان، ۱۳۵۰)

در بسیاری از مناطق ایران، گهواره علی اصغر علیه السلام را در معابر و خیابان‌ها سر راه مردم قرار می‌دهند تا حاجتمندان، نذورات خود را در آن بگذارند. نمود تصویری این امر، سنجاق کردن چند اسکناس به تور گهواره است.

گهواره و قنداق علی اصغر علیه السلام، همراه با لالایی خواندن حضار، به‌گونه‌ای جانسوزتر و عمیق‌تر، گوشه‌ای از فجایع دشمنان امام حسین علیه السلام در صحرای کربلا را به تصویر می‌کشد. برای مثال، در بندر بوشهر، روز نهم محرم، هیئت هر محله، گهواره‌ای درست می‌کرد و آن را با پارچه‌های رنگارنگ قیمتی و آینه‌های کوچک مزین می‌ساخت و با پرچم‌های کوچک به

رنگ‌های مختلف، همراه با ریش سفیدان هر محله، به در خانه‌های اهالی می‌برد و در این حال،



حاضران لالایی می‌خواندند. به این مراسم در بوشهر، «علی مختک» می‌گفتند. (عبدی‌زاده، بوشهر، ۱۳۴۸) گهواره حضرت علی اصغر علیه السلام در برخی نقاط از جمله چم‌کنار هندیجان خوزستان، وسیله‌ای برای اعلام مجلس روضه‌خوانی بود. (فیصلی، هندیجان، ۱۳۴۸) در برخی

نقاط هم در کنار گهواره، نوحه‌خوانی و مرثیه‌خوانی برگزار می‌شد. از جمله مردم فسا در روز عاشورا به شبیه حضرت علی اصغر علیه السلام لباس مشکی می‌پوشاندند و ضمن خواباندن او در گهواره، این شعر را می‌خواندند:

گهواره خالی، گهواره خالی
خدایا اصغر بخوابد، خدا رودم بخوابد

(علی‌شاهی، فسا، ۱۳۵۲)

همچنین در بندرلنگه، گهواره حضرت علی اصغر علیه السلام را آینه‌کاری می‌کردند و به یاد ایشان به‌گونه‌ای نمادین، چراغ روشنی را درون گهواره می‌گذاشتند و این نوحه را می‌خواندند:

ای اصغر صغیر من
ای اصغر لای لای
طفل نخورده شیر من
تاج سرم لای لای

(تراکمه، بندرلنگه، ۱۳۴۹)

۲-۱. علم‌واره‌ها

۱-۲-۱. علم: علم، نماد علمدار کربلا، حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. علم در ایران، با

آیین‌ها و باورهای بسیاری همراه است. علم جامه کردن، نوع حمل^۱ علم و واچیدن رخت آن به شکل‌های گوناگون که در مناطق مختلف ایران رواج دارد، حاکی از نفوذ عمیق این نشانه، در باورها و اعتقادات مردم است؛ به گونه‌ای که عدول از آن مذموم شمرده می‌شود مانند علم‌پندان، قربانی کردن در برابر علم و علم‌واچینی که هر کدام معنای خاصی را ایفاد می‌کنند. همان‌گونه که اهتزاز و افراشته بودن علم یادآور رشادت‌ها و جنگاوری‌های آن حضرت است، خمیده کردن آن نیز نشان از شهادت علمدار کربلا و به زمین افتادن علم ایشان دارد و این امر با جلوه‌های گوناگونی بیان می‌شود. در بیجار، در شب شام غریبان، چراغ‌ها خاموش و پرچم‌ها خوابیده می‌شوند. (سیدفتاحی، بیجار، ۱۳۷۷) در میاندوآب، با خواباندن علم حسینی در شب سوّم امام، پایان مراسم عزاداری اعلام می‌شود. (تیموری، میاندوآب، ۱۳۷۷) در گناباد بجستان، در شب شام غریبان، پارچه‌های سیاه را از سر علم باز می‌کنند، سیب‌ها را از سر آن برمی‌دارند و به بچه‌ها می‌دهند و علم را خم می‌کنند. در قوچان نیز بعد از ظهر عاشورا، پرچم‌ها را «سر به زیر می‌کنند» و دست فلزی بالای پرچم را بیرون می‌آورند. (رضایی، قوچان، ۱۳۷۷) در کیش هم شهادت حضرت ابوالفضل علیه السلام این‌گونه به صورت نمادین بیان می‌شود: در شب هفتم، روضه‌خوان به هنگام خواندن روضه حضرت عباس علیه السلام، یک پرچم کوچک را با چوب بسیار نازک در کنار منبر می‌گذارد. وقتی روضه به آنجا می‌رسد که حضرت عباس علیه السلام از اسب به زیر

۱. در بسیاری از شهرهای ایران، علم موروثی است و حمل و جامه کردن و اداره کردن آن از سوی خانواده خاصی انجام می‌گیرد. در کیش، علم یا رایت را مستترین افرادی که قادر به حمل آن هستند، حرکت می‌دهند. (مختارپور، ۱۳۸۳: ۱۴۰) در دهگاه بجنورد، معمولاً نخستین فردی که از جلوی مسجد علم را به دوش می‌گیرد، از سادات است. (رضایی، بجنورد، ۱۳۷۷) در خوی، علم بزرگی وجود دارد که مردم بر این باورند که از کربلا آورده شده است و تنها کسانی که دارای ایمان قوی هستند، توان حمل آن را دارند. این علم در مراسمی به نام «جوشش علم» افراشته می‌شود. (ضیافتی، خوی، ۱۳۷۷) این دقت و ظرافت در حمل علم به هنگام رویارویی دو هیئت نیز به خوبی مشهود است. در عباس‌آباد رفسنجان، هنگام حرکت دسته‌ها کسی جلوتر از علم حرکت نمی‌کند و به هنگام برخورد علم‌های دو دسته، علم‌ها را بر هم می‌زنند. (مهدوی لاهیجانی، رفسنجان، ۱۳۵۱)

می‌افتد، روضه‌خوان پرچم نازک علم را به یاد شکسته شدن علم آن حضرت به دو نیم می‌کند و با این کار شوری در مردم می‌افکند. (مختارپور، ۱۳۸۳: ۱۴۳)

پس همان‌گونه که جامه کردن علم، نمادی از آماده شدن برای رزم و لشکرکشی است، علم واپچینی، خم کردن علم، سر به زیر کردن علم و بیرون آوردن پنجه و ماهچه علم نیز نمادهایی از پایان واقعه عاشورا و کشته شدن علمدار کربلا هستند و چه زیبا هر ساله علم‌ها باز جامه می‌شوند و به این ترتیب، شعار «هر روز، عاشورا و همه زمین‌ها، کربلاست» را در نظرها زنده می‌کنند.

۱-۲-۲. علامت: علامت نیز که شکل پیچیده‌تر و چلیپایی علم است، جدای از آنکه نشانه‌ای از مجموعه علم‌های هر یک از افواج لشکر است، (هراتی، ۱۳۸۰: ۳۹) گنجینه‌ای از



اشیای نمادین عزاداری ماه محرم را در محور عمودی و افقی خود به همراه دارد: سرو، اژدها، کبوتر، شیر، طاووس، کشکول، اسب، فیل، شتر، غزال، شمشیر، تبر، مکعب‌های فولادی، زنگوله و ترمه‌ها و پارچه‌ها.

خم کردن شاه‌فیر یا تیغه میانی علامت به هنگام روبه‌رو شدن با

دسته‌های دیگر به نماد سلام گفتن و ادای تعظیم و احترام، از جمله رفتارهای نمادین است که علم‌گیران ملتزم به رعایت آن هستند.

۲. شخصیت‌های نمادین

شخصیت‌ها در آیین‌های محرم، دو جلوه کلی دارند. در شبیه‌سازی‌ها که در واقع، بازسازی

وقایع عاشورا هستند، شخصیت‌ها مانند نمونه‌های اصلی بازسازی می‌شوند. رفتن به میدان جنگ و مراسم ازدواج حضرت قاسم علیه السلام، قطع شدن دست حضرت عباس علیه السلام در نهر علقمه، تیرخوردن گلوی حضرت علی اصغر علیه السلام، به نیزه شدن سر امام حسین علیه السلام و به اسارت گرفته شدن امام سجاد علیه السلام و حضرت زینب (سلام الله علیها) و اهل حرم و نیز جستجوی شهدای کربلا از سوی طایفه بنی‌اسد، همه نمونه‌هایی از شبیه‌سازی و بازسازی وقایع عاشورا هستند که در آنها با استفاده از وجه تمثالی^۱ و بیان مستقیم، حوادث سال ۶۱ هجری بازنمایی می‌شود.

از جانب دیگر، تابوت‌واره‌ها و علم‌واره‌ها، نموده‌هایی غیرمستقیم و نمادین^۲ از شخصیت‌های عاشورا را ترسیم می‌کنند. در این بیان، عمّامه سبز بر روی نخل، نشانه‌ای از امام حسین علیه السلام و فانوس روشن در گهواره، بیانی نمادین از حضرت علی اصغر علیه السلام است و هر یک از ضریح‌واره‌ها و تابوت‌ها با یک واسطه ما را به شخصیت اصلی رهنمون می‌شوند. به عنوان مثال صورت نمادین شخصیت حضرت عباس علیه السلام در قالب شخصیت دیگری به نام سقا نیز نمود دارد. در این نوع، کاسه آب‌رسانی سقا، پنجه‌ای در میان دارد که آن نیز نمادی از دست‌های بریده حضرت عباس علیه السلام است.

سقایی، نمادی از دلاوری و وفای حضرت عباس علیه السلام برای سیراب کردن کودکان و اهل حرم است. سقایی در ایران، با نذر و نیاز همراه است. نذر سقایی این‌گونه است که مادر نذر می‌کند اگر خداوند پسری به او عطا کند روزهای تاسوعا و عاشورا او را سقا کند تا به مردم آب بدهد. سقاها در شاهرود لباس مخصوص دارند؛ لباس سفید بلند با پیش‌بند چرمی، چکمه، دستمال سر و مشک پر آب که با بند چرمی به دور کمر و شانه حمایل می‌شود. (ناصحی، ۱۳۸۳: ۹۹ و ۱۰۰)

1. iconic
2. symbolic

در برخی مناطق ایران از جمله یزد، سقایی نمودی اجتماعی و دسته‌ای می‌گیرد. به این ترتیب که بچه‌ها و جوانانی که خود یا مادرانشان آنها را نذر سقایی کرده‌اند، دسته تشکیل



می‌دهند. همه سیاه می‌پوشند و لنگ قرمزی به کمر می‌بندند و مشک خشکیده‌ای (خیک) به دوش می‌اندازند. سقاهایی که از خانواده سادات هستند، نوار پارچه‌ای سبزرنگی به بازو یا پیشانی خود می‌بندند و اغلب آنها با رشته‌پولک‌های الوان و برگ‌های فلزی نقره‌ای و طلایی

که روی آن آیاتی از قرآن کریم حک شده، روپوش خود را زینت می‌دهند. همه در یک صف می‌ایستند و با همخوانی با رهبر خود نوحه‌سرایی می‌کنند. چنانچه فصل گرما باشد، یکی دو نفر هم با مشک به مردم آب یا شربت می‌رسانند. آب‌رسانی به طور معمول با کاسه‌ای که پنجه دست عمودی در آن قرار دارد و نمادی از دست جدا شده حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است، انجام می‌گیرد. وقتی مراسم به اوج خود می‌رسد، اگر حوضی در خانه باشد، افراد دسته سقاهای همگی خم می‌شوند و با کاسه دست خود از حوض آب برمی‌دارند و دوباره آن را روی زمین می‌ریزند و عطش و تشنگی در کنار شط فرات را در نظر مردم بازنمایی می‌کنند. (شریعتی، ۱۳۷۷: ۳۲ و ۳۳)

باید اضافه کرد پیدایش سقاخانه‌ها نیز نوعی پذیرش عمومی و جلوه‌ای نمادین و بیرونی از آب‌رسانی در روز کربلاست که نه تنها در ایام محرم بلکه در طول سال، در معابر و گذرگاه‌ها،

واقعه عاشورا را برای مردم تداعی می‌کند و به گونه‌ای غیرمستقیم و تمثیل‌وار وفای حضرت ابوالفضل علیه السلام را به مردم یادآور می‌شود.

۳. اشیای نمادین

آنچه در وهله نخست، در سوگواری ماه محرم ما را به چیزی فراتر از این مراسم رهنمون می‌شود و به بیان دیگر، صورتی نمادین از آن ارائه می‌دهد، شیئی است که از آن در بازسازی وقایع عاشورا بهره برده می‌شود. اشیاء، فارغ از زمان و مکان آیینی خود، معنایی نمادین ندارند. تنور در ماه محرم، نماد تنور خولی است، عمّاری‌ها در این ماه، اسرای شام را در خود جای می‌دهند و تشت، فقط در این ایام، قرائت قرآن را از زبان سر بریده امام حسین علیه السلام باز می‌نماید. فارغ از این آیین، همه این اشیاء، جسمی بدون روح هستند. از این رو، پژوهشگران تأکید دارند که در معنی‌شناسی، هر چیز، در پیوند با ارزش‌ها و باورهای فرهنگی و در ظرف زمانی و مکانی خود قابل جستجو است.

۳-۱. تنور: بسیاری از نمادها، از باورهای مردم سرچشمه می‌گیرند و اگر باور و اعتقاد از آنها گرفته شود، چیزی جز جسم‌شان به جا نخواهد ماند. تنور خانه و تنور دست‌ساخته در دهه محرم، از مواردی هستند که با باور مردم گره خورده‌اند تا آنجا که مردم دزفول به تأیید این پندار که در شب یازدهم محرم، سر امام حسین علیه السلام را خولی در تنور پنهان نگاه داشته، تا سه شبانه‌روز تنور خانه خود را روشن نمی‌کردند و برای احترام به امام حسین علیه السلام به جای آتش، در تنور خانه خود شمع و عود روشن می‌کردند و به آن عطر می‌پاشیدند. (غفاری خلف‌محمّدی، شوشتر، ۱۳۴۶)

مردم جیتو ورامین نیز در این شب هیچ نانی را در تنور خانه طبخ نمی‌کردند و بر این باور بودند که در چنین شبی، تنور خولی گرم بوده و سر مبارک حضرت در تنور خانه او قرار داشته است. (حسن‌پازوکی، ورامین، ۱۳۵۱)

۲-۳. **تشت:** آیین‌ها طی زمان‌های مختلف تکرار می‌شوند و در تکرار ادواری خود، به فراخور سلیقه مردم، شاخ و برگ می‌یابند. شاخ و برگی که گاه با ژرف‌نگری می‌توان آنها را به تنه اصلی متّصف دانست. مراسم تشت‌گردانی و تشت‌گذاری که امروزه نیز با تفاوت‌های اندکی در مناطق شمالی ایران همچون گذشته اجرا می‌شوند، از این قسم هستند؛ تشتی که به صورت نمادین در آن، آب می‌ریزند یا خاک متبرک یا شمع می‌گذارند. [امروزه] تشت‌گردانی ماسوله در روز پنجم محرم برگزار می‌شود به این ترتیب که یک نفر تشتی را بالای سر خود می‌گیرد و در محله «کشه‌سر» می‌گرداند. در حالی که افراد به سر و سینه می‌زنند و علم کشه‌سر در جلوی دسته عزاداران حرکت داده می‌شود، مردم از هر نقطه ماسوله، خود را به محله کشه‌سر می‌رسانند و نذورات خود را از پشت بام داخل تشت روان می‌اندازند و به جای آن یک سکه «صاحب زمان» دریافت می‌کنند. (مهدی‌زاده، ماسوله، ۱۳۵۸)

۴. دسته‌گردانی

یکی از کلی‌ترین رفتارهای جمعی عزاداران، در دسته‌گردانی‌ها نمود پیدا کرده است. معناشناسان، دسته‌گردانی را حرکتی جمعی هماوا و هماهنگ می‌دانند و آن را نمودی از وحدت یک دسته و یک محله می‌شمرند که به صورتی با نام و نشان، زیر یک بیرق حرکت می‌کنند. «دسته‌گردانی در قالب یک الگوی کهن، در بنیاد و اصل خود، حرکتی است در جهت تحرک بخشیدن به مردم که گونه‌ای صف‌آرایی در برابر دشمن را می‌نمایاند و بسیج جمعی در مقابله با بیدادگری را پیش چشم می‌نهند و حرکت هماهنگ سنج‌ها و زنجیرها، جلوه‌هایی از این عزم آهنین است.» (میرشکرایی، ۱۳۸۳: ۵۳)

۴-۱. **شام غریبان:** «شام غریبان گونه نمادین دیگری از دسته‌روی است. در این دسته‌گردانی، عزاداران دیگر علم و پرچمی همراه ندارند و ایستاده حرکت نمی‌کنند. با هیجان و خروش دست‌هایشان را بر سینه نمی‌کوبند و نوحه‌هایشان از مضمون رزم و شهادت خالی

است و چلچراغی به همراه ندارند. راهشان را نور شعله‌های لرزان شمع‌هایی که کودکان به دست گرفته‌اند، روشن می‌کند. زنگ آهنگ سنجی و بانگ طبل و کرنایی همصدایشان نیست و اینها همه چهره‌ای نمادین از غروب عاشورای کربلای راستین را می‌نمایاند.» (میرشکرایی، ۱۳۸۳: ۵۳) خاموشی چراغ سقاخانه‌ها، کاه پاشیدن بر سر دسته شام غریبان و نذر نان و حلوا از دیگر جلوه‌های این آیین است.

۴-۲. **جاق جاقی:** عزاداری‌ها به نوعی، جلوه‌ای از رفتارهای جمعی را به نمایش می‌گذارند. سینه‌زدن و زنجیرزدن در حوزه فرهنگی، معنایی از سوگواری به همراه دارند و به نوعی نماد صف‌کشی، جنگ و مبارزه با اسلحه هستند. اما در برخی نقاط، شیوه‌های خاصی از عزاداری بوده و هست که ریشه و نماد آنها را در بافت فرهنگی همان جا باید جستجو کرد. برای مثال، در زفره و اردستان اصفهان، مراسم عزاداری روز عاشورا در چند دهه پیش، در بستر آیینی به نام «جاق جاقی» برگزار می‌شد. در این مراسم، عزاداران به دو دسته تقسیم می‌شدند و هر کدام یک جاق جاقی^۱ به دست می‌گرفتند. هر دسته دایره‌وار می‌ایستاد و در وسط هر دایره، یک نوحه‌خوان علم بر دوش مرثیه‌خوانی می‌کرد و دیگر عزاداران با زدن چوب‌ها، او را به گونه‌ای هماهنگ همراهی می‌کردند. گاهی افراد در حالی که پیرامون دایره قرار داشتند، عقب می‌رفتند و پشت به کسی می‌کردند که رو به روی آنها ایستاده بود. (رجایی زفره‌ای، اصفهان، ۱۳۶۶ و کریمی، اردستان، ۱۳۴۹) کرب‌زنی^۲ و سنگ‌زنی نیز از دیگر دسته‌روی‌هایی است که دیگر رنگ و بوی گذشته را ندارد. (محسنی، لاهیجان، ۱۳۴۵ و ناصحی، ۱۳۸۳: ۱۰۷ و ۱۰۸)

۴-۳. **شمع افروزی:** شمع در باور دینی شیعه، نمادی از حاجت و توسل است. امامزاده‌ها و

۱. جاق جاقی دو نیم کره چوبی دست‌ساز خراطی شده است که به وسیله یک ریسمان به هم وصل می‌شوند.
۲. کرب دو تکه چوب خراطی شده است که عزاداران آن را به نشانه عزاداری به هم می‌زنند به این افراد کرب‌زن گفته می‌شود.

بقاع متبرک، محلی دایمی برای جلب حاجتمندان به افروختن شمع‌های نذری هستند. محرم یکی از زمان‌های مقدس برای حاجت خواستن است. درخواست حاجت در این ماه، از طریق افروختن شمع و در قالب آیین‌های گوناگون صورت می‌گیرد. روح تمامی این آیین‌ها، برخاسته از توسل‌جویی شیعه است و همه آنها هماهنگ با فرهنگ ایرانی و بویژه سلاطین محلی اجرا می‌شوند. مشهورترین رسم شمع‌افروزی در ایران، رسم «چهل منبر» است.

[امروزه نیز] در گلشاهی لاهیجان در شب قتل (عاشورا) زنان و مردان سیاهپوش، با پای برهنه مراسم «چهل منبر» را اجرا می‌کنند. یعنی هر فرد، یک زنبیل که در آن ۴۰ شمع و ۴۰



خرما گذاشته‌اند به دست می‌گیرد. زمانی که افراد به سر در خانه‌ها می‌رسند، داخل ظرف گلی که روی منبر است، یک شمع روشن می‌کنند و یک عدد خرما روی منبر می‌گذارند. یک مشت برنج خام هم از ظرف

کنار تشت گل برمی‌دارند و تا قرار دادن ۴۰ خرما در چهل منبر این کار را ادامه می‌دهند. (طباطبایی، لاهیجان، بی تا) این رسم در نقاط دیگر ایران با اندکی تفاوت، با نام‌های مختلفی از جمله «چلایه منبر» (گلستان، اصفهان، ۱۳۵۵) و «هفت کلگه» (طباطبایی، لاهیجان، ۱۳۴۵) اجرا می‌شود.

۵. رنگ

رفتارها و آیین‌های مردمی برای آنکه به صورت نماد و نشانه بیان شوند، به یاری رنگ، شعر، موسیقی، نور و در کل، ذوق و هنر بومی محلی نیازمندند تا به نحوی ظریف، خواسته‌ها

و مطلوب‌های یک جمع را به صورت غیرمستقیم به نمایش بگذارند. رنگ و موسیقی از مهم‌ترین راه‌های بیان نمادها هستند. رنگ سیاه، نماد محرم است. به همین دلیل، سیاهپوش کردن سقاخانه‌ها، افراشتن بیرق‌ها و نصب کتیبه‌های سیاه بر در و دیوار، گواه رسیدن ماه محرم است. رنگ‌ها بخصوص در شبیه‌سازی‌ها و در مجالس تعزیه، برای نمایش و تجسم حق و باطل و مشخص کردن اولیا و اشقیا بسیار گویا و نمادین به کار گرفته شده‌اند. بازتاب نمادین آنها را در بیرق‌ها، جامه‌ها، یراق‌ها، خیمه‌ها و سربندها می‌توان مشاهده کرد. در مجالس تعزیه، پیراهن سرخ، شال یا سربند سرخ و پربلق یا قرمز، تجسم شقاوت، خون و خونریزی است و در مقابل، علم سبز، پر سبز و کمر بند سبز نماد قداست و جبهه اولیاست. نشاندن پر سفید بر مغفر و سپردن بیرق سفید به دست «حر» نیز توبه را به نمایش می‌گذارد.

همان‌گونه که در تعزیه، دو رنگ سرخ و سبز، نمایانگر دو اندیشه متفاوت هستند، دو رنگ سفید و سیاه نیز در کنار سرخ و سبز نمود کاملتری از رنگ‌ها را به نمایش می‌گذارند. اسب اولیا، سفیدرنگ و اسب اشقیا، سیاه تجسم می‌شود تا به مخاطب تلقین کند که سیاه‌دلی اشقیا به حیوان نیز اثر بخشیده است.

رنگ‌ها با موجزترین بیان، به مدد اندیشه می‌آیند چنانکه در بعضی شبیه‌خوانی‌ها که از تجهیزات کمتری بهره برده‌اند، یک سربند سبز یا یک حمایل یا بازوبند قرمز، جبهه خیر یا شر را مشخص می‌سازد و طرفه آنکه این زیبایی‌شناسی رنگ‌ها، نه تنها در لباس‌ها و ابزار صحنه که در سواد و بیاض نسخه‌های تعزیه نیز به چشم می‌آید. نمونه بسیار ظریف به کارگیری نمادین رنگ‌ها، از زبان «حر» برای ابراز توبه و دگرگونی چنین آمده است:

صد شکر که سبز شد مرا شاخ امید از خاک مراد لاله سرخ امید
امروز به خون، سرخ کنم گونه زرد فردا به صف حشر برم روی سفید

(عنصری، ۱۳۶۶: ۲۳۵-۲۴۵)

رنگ‌ها در آیین‌ها، شبیه‌سازی‌ها، مجالس تعزیه^۱ و بازسازی وقایع محرم هوشمندانه و براساس باورهای مردم انتخاب می‌شوند. [امروزه] بسیاری از ایرانیان از جمله مردم گرگان، در ماه محرم از پوشیدن لباس قرمز خودداری می‌کنند. (عقیلی، گرگان، ۱۳۵۲) انتخاب رنگ‌ها علاوه بر باورهای مذهبی، به نوعی با ناخودآگاه فرهنگی مردم نیز پیوند دارد. برای نمونه، رنگ سبز در باور مذهبی ما، نشان تبار پیامبر ﷺ و امامان علیهم‌السلام است و علاوه بر آن در فرهنگ باستانی مظهر زندگی، سرسبزی و سرزدن دوباره حیات و نماد بالندگی جاودانه است. مراسم ماه محرم، سرشار از نشانه‌های نمادین است و آیین‌های معمول آن در قالب‌های شیء، حرکت، رفتار، رنگ، صدا، کلام، زمان، مکان، شخصیت و مانند اینها جلوه‌ای هنری دارد. (میرشکرایی، ۱۳۸۶: ۵۳)

۶. موسیقی

موسیقی نیز به مثابه رنگ، نور و شعر یکی از راه‌های بیان نمادهاست. دسته‌های عزاداری به نوعی، بازسازی نمادین لشکرکشی ایمان علیه کفر هستند. عزاداران در دسته‌روی‌ها، بخصوص دسته‌های زنجیرزنی، در ستونی پشت سر هم، به طور منظم صف‌آرایی می‌کنند. بیرق‌ها، جلودار، چاووش و نوازندگان دهل و سنج و دیگر سازها، این بازسازی را به شکل حماسی تری نشان می‌دهند و این امر را برای ما مسلم می‌کنند که هنوز و هر روز، جبهه شرک و توحید باقی است و مردمان با قرار گرفتن در صفوف عزاداران بار دیگر با سیدالشهداء علیه‌السلام تجدید پیمان می‌کنند. موسیقی بیان‌کننده حالات، احساسات و ضرباهنگ محرم است.

۱. به جز انتخاب هوشمندانه رنگ‌ها در مجالس تعزیه، گاه مردم به واسطه نذر، کودک خود را حسینی می‌کنند، یعنی پیراهن سیاه را به دست امام‌خوان تعزیه می‌دهند تا به او ببوشاند. بعضی دیگر نیز نذر می‌کنند فرزندان‌شان عباسی یا حسینی باشند که این امر با پوشاندن لباس سبز و سفید به دست عباس‌خوان و قاسم‌خوان تعزیه بر تن فرزندان انجام می‌گیرد.

موسیقی‌هایی که در قالب نوحه‌ها یا بحرطویل‌ها، تا نهم محرم در دسته‌ها خوانده می‌شوند، نوعی هیجان و حماسه را بازتاب می‌دهند و در شب عاشورا، با خاموش شدن شمع‌ها و خواباندن علم‌ها، لحنی حزن‌انگیز به خود می‌گیرند. حتی سکوت شب شام غریبان نوعی موسیقی است که حکایت از پایان جنگ دارد. پایانی که بار دیگر به صورتی حماسی از سرگرفته خواهد شد. نماد موسیقی نه تنها در مفاهیم محرم که در آلات سوگواری‌های آن نیز پیدا است. رایج‌ترین آلات موسیقی مورد استفاده در عزاداری‌ها؛ بوق، طبل و سنج هستند که از سازهای رزمی به شمار می‌روند و از گذشته‌های دور در لشکرکشی‌ها نواخته می‌شدند. در کنار این دو ساز، مردم نواحی مختلف، بسته به فرهنگ بومی خود، سازهای سنتی و وزین هر منطقه را نیز به سوگواری‌های دینی وارد کرده‌اند. نی، قره‌نی و فلوت، به هنگام مصیبت‌خوانی و زمانی که دسته‌ها از زنجیرزدن و سینه‌زدن باز ایستاده‌اند، به کار می‌روند. در لرستان، نوازندگان سرنا و دهل، موسیقی چمر «čamar» و عزا را برای سوگواران می‌نوازند و در مناطق شمالی و گیلان، ساز کرنا عزاداران را در سوگواری‌هایشان همراهی می‌کند. علاوه بر این، انواع برسرزدن‌ها، سینه‌زدن‌ها و زنجیرزدن‌ها به صورت تک‌ضرب، دوضرب و سه‌ضرب که به نام‌های دیگری چون «یه چو»، «شلاقی» و... نیز خوانده می‌شوند، گونه‌ای از موسیقی هستند که نوحه‌ها و مرثیه‌ها را به گونه‌ای هماهنگ همراهی می‌کنند.

هر یک از سازها با ریتم و آهنگی که تولید می‌کنند، یادآور حماسه کربلا هستند و صبغه و پیشینه‌ای تاریخی دارند که ریشه آن به رزم‌ها و جنگاوری‌ها منتهی می‌شود.

جمع‌بندی

نشانه‌های نمادین محرم را نه در ابزارها که در کلیت و فلسفه محرم باید جستجو کرد. ماهیتی عظیم که یادآوری و تکرار آن، سبب پیدایش رفتارها و آیین‌های گوناگون شده است و مردم هوشمندانه در بستر اجرای این آیین‌ها، رفتارهایی جمعی را خلق کرده‌اند. رفتارهایی که

با بسیاری از ابزارها، اشعار، آوازاها و خوانش‌ها، به صورت نمادین، منویات درونی را بیان می‌کنند و در این راه، از نور و رنگ، شعر، موسیقی و در کل، ذوق و هنر بومی محلی مدد می‌گیرند. رفتارها و آیین‌ها، بیان‌کننده اندیشه‌های نهادینه شده مردم و دربرگیرنده سخت‌افزارهایی هستند که خارج از این آیین‌ها و بی‌ارتباط با این رفتارها، معنای حقیقی آنها درک نمی‌شود. ابزارها و اسباب در بستر رفتارهای مردم، کنه واقعی خود را به گونه‌ای موجز به رخ می‌کشند. شمع، فارغ از سقاخانه‌ها، منابر و تشریح‌های گل، معنایی از حاجت‌خواهی نخواهد داشت و علم جدا از دسته‌های عزادار، مفهوم علمدار کربلا را به خوبی منتقل نخواهد کرد.



منابع

* قرآن کریم

الف) کتاب

۱. بلوکباشی، علی (۱۳۸۰) *نخل گردانی*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. صفوی، کوروش (۱۳۸۷) *درآمدی بر معنی‌شناسی*، چ ۳، تهران: سوره مهر.
۳. عنصری، جابر (۱۳۶۶) *نمایش و نیایش در ایران*، تهران: انتشارات فوق برنامه سنجش دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
۴. ناصحی، علی (۱۳۸۳) *محرم در شاهرود و بسطام*، مشهد: آهنگ قلم.
۵. یاحقی، محمدجعفر (۱۳۸۶) *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها در ادبیات فارسی*، تهران: فرهنگ معاصر.

ب) مقاله

۱. ذاکری، محسن (۱۳۸۴) «رمزهای اساطیری؛ اسب در اساطیر»، کتاب *ماه هنر*، ش ۸۵ و ۸۶.
۲. بلوکباشی، علی (۱۳۷۸) «تابوت گردانی؛ نمایشی تمثیلی از قدرت قدسی خداوندی»، *نشر دانش*، ش ۴.
۳. مختارپور، رجبعلی (۱۳۸۳) «محرم در کیش»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی محرم و فرهنگ مردم*، تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی.
۴. میرشکرایی، محمد (۱۳۸۳) «محرم و نشانه‌های نمادین»، کتاب *ماه هنر*، ش ۷۵ و ۷۶.
۵. هراتی، محمد مهدی (۱۳۸۰) «علم؛ تجلی هویت ملی و مذهبی ایرانیان»، کتاب *ماه هنر*، ش ۳۹ و ۴۰.
۶. همایونی، صادق (۱۳۸۶) «نمادهای اسطوره‌ای در عزا، عروسی، تعزیه و سوگواری‌های مذهبی در فارس»، کتاب *ماه هنر*، ش ۱۰۶.

ج) گزارش

۱. شریعتی، علی‌اکبر (۱۳۷۷) «محرم در یزد»، گزارش پژوهشی، تهران: مرکز تحقیقات صدا و سیما.

فرهنگیاران

- تراکمه، سکینه، بندرلنگه، بوشهر، ۴۹/۲/۱
- تیموری، زهرا، میاندوآب، آذربایجان غربی، ۷۷/۶/۲۲
- حسن‌پازوکی، فاطمه، جیتو، ورامین، تهران، ۵۱/۲/۱۵
- رجایی‌زفره‌ای، محمدحسن، زفره، اصفهان، ۱۳۶۶
- رضایی، جواد، دهگاه، بجنورد، خراسان شمالی، ۷۷/۶/۲۷
- سیدفتاحی، سیدرضا، بیجار، کردستان، ۷۷/۶/۲۲
- صادقی، میرزا، ایذه، خوزستان، ۱۳۵۷
- ضیافتی، محمدباقر، خوی، آذربایجان غربی، ۷۷/۶/۱۰
- طباطبایی، سوسن، لاهیجان، گیلان، ۴۵/۲/۲۱
- عبدی‌زاده، ماشاءالله، بوشهر، ۴۸/۲/۲۸
- عقیلی‌گرگانی، علی‌اصغر، گرگان، گلستان، ۵۲/۱۰/۲۴
- علی‌شاهی، خلیل، فسا، فارس، ۵۲/۱۱/۱
- علی‌نیا، محمود، لاهیجان، گیلان، ۴۵/۲/۲۱
- غفاری‌خلف‌محمدی، سیدحسین، شوشتر، خوزستان، ۴۶/۲/۷
- فرخ‌سرشت، یوسف، همدان، ۵۰/۲/۱۲
- کریمی‌جمشید، اردستان، اصفهان، ۱۳۴۹

گلبان، حسین، اصفهان، ۵۵/۴/۱۶

محسنی، نوید، لاهیجان، گیلان، ۴۵/۱۲/۲

مهدوی لاهیجانی، محمدرضا، عباس آباد، رفسنجان، کرمان، ۵۱/۳/۲۹

مهدی زاده، قاسم، ماسوله، گیلان، ۵۸/۱۰/۲۵

نخبه، فضل الله، بهبهان، خوزستان، ۱۳۵۲

هاشم مطوری، فاطمه، خرمشهر، خوزستان، ۷۰/۵/۵

